

مفهوم‌سازی برنامه‌درسی تربیت جنسی با تاکید بر نقش خانواده- مدرسه^۱

زهرا حجازی^۲، مصطفی قادری^۳، علیرضا صادقی^۴، پروین صمدی^۵، زهرا نیکنام^۶

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مفهوم‌سازی برنامه‌درسی تربیت جنسی با تاکید بر نقش خانواده- مدرسه انجام شده است. این تحقیق در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از راهبرد داده‌بنیاد و روش ظهوریابنده و ابزار مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند صورت گرفته است. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از متخصصان در حوزه‌های مرتبط علمی، آموزشی و اجرایی استفاده شد که با استفاده از نمونه‌گیری نظری ۳۲ نفر مشارکت داشتند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع مقوله‌ها و شکل‌گیری جوهر حوزه بنیادی ادامه یافت. همزمان با مصاحبه‌ها، کدگذاری باز، انتخابی و نظری صورت و مورد اعتباریابی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن بود که ادراک متخصصان نسبت به برنامه‌درسی تربیت جنسی خانواده- مدرسه مرکز ثقل بودن گفتمان فرهنگی تربیت جنسی را نشان می‌دهد که تعادل برنامه‌درسی تربیت جنسی خانواده- مدرسه به تعادل آن بستگی دارد. دو مقوله منطق تربیت جنسی خانواده‌محور و رویکرد تربیت جنسی مدرسه‌محور به عنوان مقوله‌های محوری بودند که در ذیل آن‌ها به ترتیب ۱۲ و ۱۱ کد بنیادی شناسایی شدند. با شفاف‌سازی نقش‌های خانواده- مدرسه، زمینه لازم برای نوبسترسازی برنامه‌درسی فراهم می‌آید.

واژه‌های کلیدی: تربیت جنسی خانواده- مدرسه، برنامه‌درسی، برنامه‌درسی تربیت جنسی، راهبرد داده‌بنیاد.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه علامه طباطبائی می باشد.

۲. دانشجوی دکتری رشته مطالعات برنامه‌درسی، دانشگاه علامه طباطبائی hejazi.um.curriculum@gmail.com

۳. دانشیار مطالعات برنامه‌درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m.ghaderi@atu.ac.ir

۴. دانشیار مطالعات برنامه‌درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران sedeghi@atu.ac.ir

۵. دانشیار مطالعات برنامه‌درسی و آموزش، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران p.samadi@alzahra.ac.ir

۶. استادیار برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران niknam@khu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۳

تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۱۴۰۱/۴/۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

مقدمه

یکی از بنیادی‌ترین مسایل زندگی که کیفیت حیات انسان در گرو چگونگی شناخت و کاربست آن است، تربیت جنسی است (سعیدی رضوانی، غلامی و باقری، ۲۰۲۰). در بسیاری از کشورها، تربیت جنسی مدرسه‌محور^۱ شامل برنامه‌های طراحی شده‌ای است که به منظور افزایش دانش و تشویق به راه‌های کاهش خطرات جنسی و پیشگیری از اچ آی وی برای دانش‌آموزان در محیط مدرسه ارایه می‌گردد (Leung, Shek, Leung, Shek, ۲۰۱۹). اما Pound, Langford, Campbell (۲۰۱۶) معتقدند که مدارس از تخصص لازم در زمینه مسایل جنسی برخوردار نیستند و گاه معلمان، دانش‌آموزان را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده‌اند؛ یا مدارس با نوجوانانی که از نظر جنسی فعال هستند، در کشمکش هستند. سعیدی رضوانی، غلامی و باقری (۲۰۲۰) نیز بیان می‌کنند که معلم عنصر اصلی تربیت جنسی در مدارس شناخته می‌شود اما در نظام آموزشی ایران شناخت ویژگی‌ها و شایستگی‌های معلمان یا مربیان تربیت جنسی مغفول مانده‌است.

از سویی دیگر، Department for Education and Employment (۲۰۰۰)، معتقد است خانواده نه تنها در آموزش کودکان‌شان در امر جنسی توانمندتر هستند بلکه در حفظ فرهنگ و مسایل اخلاقی حاکم بر خانواده نیز از شایستگی لازم برخوردارند. برای مثال، والدین یا سرپرستان جهت تربیت جنسی فرزندان خود به آموزش‌های لازم مجهز می‌شوند؛ یا در جلسات تربیت جنسی شرکت می‌کنند و با همکاری هم تکالیف را انجام می‌دهند (Kakavoulis, ۲۰۱۹: ۱۷).

پژوهش‌هایی محدود، به تربیت جنسی خانواده- مدرسه، همکاری خانه- مدرسه^۲ یا پیوند خانواده- مدرسه^۳ پرداخته‌اند (Sormunen, ۲۰۱۲). در بسیاری از کشورها وزارت آموزش و پرورش خواستار مشارکت فعالانه و قوی خانواده و مدرسه و رشد و ارتقاء رفتارهای سالم کودکان و نوجوانان است (OPM, ۲۰۱۶). تربیت جنسی خانواده- مدرسه^۴ با هدف مشارکت خانه و مدرسه و ایجاد شبکه حمایتی در میان کارکنان مدرسه، والدین و سرپرستان کودک و نوجوان و به تناسب پشتیبانی از آن‌ها در زمینه تربیت جنسی شناخته می‌شود. تربیت جنسی خانواده- مدرسه بیانگر حضور والدین، سرپرستان و سایر اعضای خانواده در روند انتخاب برنامه‌درسی نیز هست؛ به این صورت که نماینده والدین در کمیته انتخاب برنامه‌درسی نقش داشته باشد. در فرهنگ ایرانی، خانواده، پایه و ستون اصلی جامعه است و برای مردم ایران واحدی بسیار ارزشمند است به‌طوری که کانون اصلی حفظ سنت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به شمار می‌آید. کودکان و نوجوانان در خانواده ایرانی که بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و سنت‌ها مبتنی است رشد می‌کنند و والدین و یا مراقبان آن‌ها

1. school-based sexual education

2. homeschool collaboration

3. family-school connection

4. family-school sexual education

وظیفه اصلی انتقال این ارزش‌ها را بر عهده دارند و همین طور شناخت کامل‌تر و بهتری از فرزندان خود و ویژگی‌های آنان دارند. از سویی، با نظر به اینکه مدرسه نهادی رسمی و تربیتی است و فرزندان این سرزمین زمان زیادی را در آن به سر می‌برند، به نظر می‌رسد غور و بررسی نقش خانواده-مدرسه در برنامه‌درسی تربیت جنسی در ایران مطرح می‌گردد. پژوهش‌هایی چند در این زمینه انجام شده‌است؛ پژوهشی با هدف مطالعه تربیت جنسی نوجوانان شهر تهران و عوامل زمینه‌ساز آن با تاکید بر روابط میان فردی با والدین انجام شده‌است

(تربتی، تاجیک‌اسماعیلی و خسروی، ۲۰۲۰). داده‌های به دست آمده حاکی از آن است که والدین الگوی مناسبی برای تربیت و جامعه‌پذیری فرزندان خود باشند. والدین بر انتخاب دوست و ارایه الگوهای مناسب برای دوست‌گزینی نظارت داشته باشند. همچنین در سطح مدرسه نیز تدوین طرح تربیت جنسی مدارس و وجود سیاست مشخص برای آموزش مسایل جنسی به دانش‌آموزان در قالب کتب درسی پیشنهاد گردید. رئوف ملایری، بهشتی، اسکندری و عباس‌پور (۲۰۱۸) به بررسی نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران پرداخته‌اند. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه درون مایه اصلی در زمینه شکل‌گیری هویت جنسیتی شده‌است که شامل نقش خانواده، نقش مدرسه و نقش تعاملات مدرسه و خانواده بوده‌است. فرمیپنی فراهانی، سلطانی، جنگلی و کمرودی (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تربیت جنسی وظیفه مشترک خانواده و مدرسه» به نقش والدین در تربیت جنسی و نقش مدرسه به عنوان مکمل در ۳ دوره ۷ ساله می‌پردازند. پژوهشگران نتیجه‌گیری کرده‌اند که راهنمای جنسی والدین و مربیان باید حاوی دو جنبه جهت‌گیری و هدایت و تعادل‌گریزه باشد؛ Windiastuti & Syamsudin (۲۰۱۹) در پژوهش موردی چگونگی همکاری والدین و مدارس در تربیت جنسی مهدکودک جهت پیشگیری از سوءاستفاده جنسی پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن بوده که گفتگوهای فعال، برنامه ویژه والدین و ارتباط مداوم خانه و مدرسه برای تربیت جنسی هم در مدرسه و هم در خانه بسیار حائز اهمیت بوده‌است. یکی از استلزامات این است که مدارس و والدین از جزئیات کارهایی که باید و نباید در زندگی روزمره و روال عادی مدرسه انجام دهند، آگاهی بیشتری داشته باشند.

همان‌طور که ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، توجه به تربیت جنسی مدرسه‌محور یا خانواده‌محور هر یک مزایا و معایبی دارد و نمی‌توان یکی را به طور کل جایگزین دیگری کرد. پژوهش‌هایی اندک در صدد پیوند و اتصال خانواده و مدرسه در تربیت جنسی بوده‌اند و این پژوهش می‌تواند دیدگاه جامعی را در تدوین برنامه‌درسی تربیت جنسی در اختیار نظام آموزشی قرار دهد. دو نهاد حساس و کلیدی خانواده-مدرسه در تربیت جنسی، این دیدگاه را به دست خواهند آورد که تربیت جنسی امری تک بُعدی نیست بلکه پیچیدگی آن مستلزم همکاری چندجانبه آنها است که می‌بایست ارتباط و وابستگی آن‌ها به یکدیگر مشخص گردد. با توجه به اینکه در این پژوهش وظایف هر یک از این

دو نهاد حامی تربیت جنسی شفاف‌سازی می‌شود، ابهامات و شبهاتی که امکان دارد در شرح وظایف وجود داشته باشد، رفع می‌گردد. آنچه در این پژوهش مورد پیگیری قرار می‌گیرد، مفهوم‌سازی برنامه‌درسی تربیت جنسی خانواده- مدرسه است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر رویکرد از نوع مطالعات کیفی می‌باشد. راهبرد مورد استفاده نظریه داده‌بنیاد^۱، از نوع نوحاسته، ظهوریابنده یا کلاسیک^۲ می‌باشد که با نام گلیسر^۳ گره خورده‌است. جهت پاسخ‌گویی به سوال پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۴ استفاده شد؛ جامعه پژوهش را کلیه متخصصان و فعالان اجتماعی و فرهنگی مرتبط با موضوع پژوهش که دارای زمینه علمی و سابقه مرتبط بودند، تشکیل دادند. این مجموعه شامل روانشناس، پزشک، رفتارشناس جنسی، مشاور، ماما، متخصص علوم تربیتی و علوم انتظامی، جامعه‌شناس، حقوقدان و سیاستگذار بوده‌است. چگونگی دستیابی به نمونه‌های مطالعاتی از طریق نمونه‌گیری نظری انجام شد. پس از انجام، پیاده‌سازی و تحلیل مصاحبه اولیه، تصمیم گرفته شد که در مرحله بعد چه داده‌هایی را، از کجا و از چه کسانی جمع‌آوری شود تا «نظریه در حال ظهور، توسعه یابد» (Glaser, ۱۹۶۷: ۴۵). اولین مشارکت‌کنندگان می‌بایست حداقل دارای یکی از معیارهای زیر می‌بودند؛ دارا بودن چند اثر پژوهشی در زمینه تربیت جنسی، دارا بودن حداقل چند سال سابقه کار در حوزه‌هایی که به نوعی مرتبط با زنان، خانواده، کودکان، نوجوانان و جوانان و تربیت جنسی بود، دارا بودن حداقل چند سال سابقه اجرایی در برگزاری کارگاه‌های تربیت جنسی، فرزندپروری و سلامت جنسی و یا دارا بودن چند سال سابقه کار در سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با موضوع پژوهش.

معیار قضاوت در این باره که چه وقت نمونه‌گیری نظری به پایان می‌رسد، «اشباع نظری»^۵ مقوله یا نظریه به دست آمده‌است. لازم به ذکر است که «اشباع» در داده‌های کیفی عمومی با «اشباع» در نظریه داده‌بنیاد کلاسیک یا نوحاسته ذاتاً متفاوت هستند؛ زیرا پژوهشگر در نظریه داده‌بنیاد کلاسیک به دنبال اشباع در سطح مفهومی است (Breckenridge, Jones, ۲۰۰۹: ۷). با استفاده از نمونه‌گیری نظری و «جریان» رفت و برگشت بین جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، و تا رسیدن به اشباع نظری، با ۳۲ نفر از متخصصان حوزه‌های مرتبط با تربیت جنسی در شهرهای مختلف مصاحبه حضوری نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره ۱ ارایه شده‌است. انجام مصاحبه‌ها از خرداد ماه سال ۱۴۰۰ آغاز و تا دی ماه همان سال

1. grounded theory

2. emergent, classic

3. Glaser

4. semi-structured interview

5. Theoretical saturation

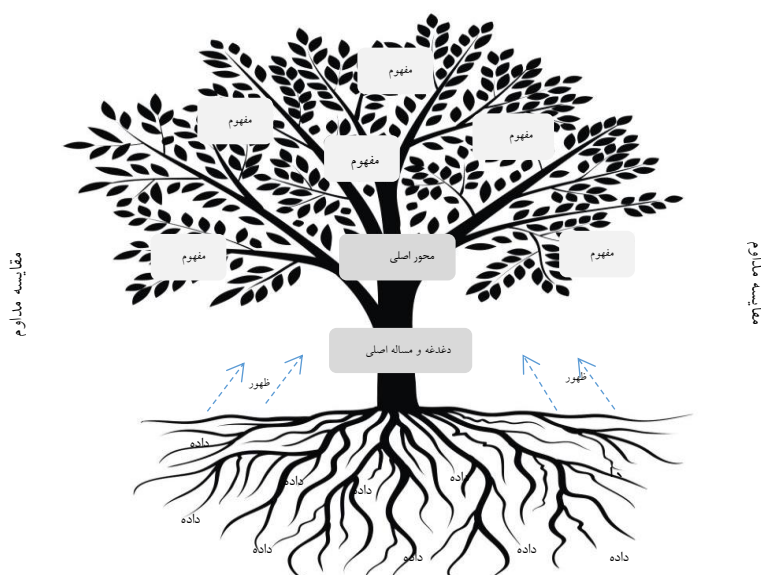
همزمان با کدگذاری‌ها ادامه یافت. در فاز اول نمونه‌گیری نظری، ابتدا با ۱۰ نفر مصاحبه صورت گرفت که به تدریج بعد از استخراج وقایع، مفاهیم و مقوله‌ها، اندک اندک مقوله محوری ظاهر گردید و سپس فاز دوم نمونه‌گیری بر محور مقوله محوری انجام شد. کدگذاری در مرحله دوم بر اساس تأثیری که کدهای محوری بر فرایند داشت صورت گرفت.

جدول ۱- کلیاتی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌گیری نظری

ردیف	تحصیلات	تخصص	سوابق کاری	ردیف	تحصیلات	تخصص	سوابق کاری
۱	دکتر	روانشناسی کودک	هیات علمی دانشگاه	۱۵	روحانی	سطح سه حوزه	نماینده تشکلهای مردمی
۲	دکتر	بهداشت باروری	هیات علمی دانشگاه	۱۶	دکتر	علوم تربیتی	هیات علمی دانشگاه
۳	دکتر	روانشناسی تربیتی	روانشناس	۱۷	دکتر	روانشناس کودک و نوجوان	هیات علمی دانشگاه
۴	دکتر	جامعه‌شناسی روانشناسی تربیتی	روانشناس	۱۸	دکتر	روانشناسی بالینی	طراحی و تدوین مدل‌های روان‌شناختی
۵	دکتر	علوم تربیتی	مدرس و پژوهشگر	۱۹	دکتر	علوم تربیتی	پژوهشگر، فعال حوزه کودک
۶	دکتر	دکترای حرفه‌ای پزشکی	هیات علمی دانشگاه	۲۰	ارشد	مامایی	هیات علمی دانشگاه
۷	ارشد	روانشناسی تربیتی	روانشناس	۲۱	ارشد		معاونت پیشگیری از وقوع جرم
۸	ارشد	مددکاری اجتماعی	دوره‌های تربیت جنسی	۲۲	دکتر	حقوق کیفری و جرم‌شناسی	هیات علمی دانشگاه
۹	ارشد	مشاوره		۲۳	دکتر	جامعه‌شناسی	هیات علمی دانشگاه
۱۰	دکتر	سیاستگذاری سلامت	تحقیقات سیاستگذاری سلامت	۲۴	روحانی	دانش‌آموخته سطح چهار حوزه	کانون فرهنگی تبلیغی
۱۱	دکتر	حقوق خانواده	هیات علمی دانشگاه	۲۵	دکتر	رفتارشناسی جنسی	هیات علمی دانشگاه
۱۲	ارشد	جامعه‌شناسی	دبیر جامعه‌شناسی	۲۶	ارشد	روانشناسی	تسهیلگر اجتماعی
۱۳	ارشد	زبان انگلیسی	حوزه زنان و خانواده	۲۷	دکتر	علوم تربیتی	معاونت فرهنگی دانشگاه
۱۴	کارشناسی	امور تربیتی	معاونت پرورشی	۲۸	دکتر	سیاستگذاری فرهنگی	مطالعات فرهنگی پژوهش‌های مجلس
۳۱	دکتر	حقوق جزا و جرم‌شناسی	دانش‌آموخته	۲۹	دکتر(روحانی)	روانشناسی عمومی	هیات علمی دانشگاه
۳۲	دکتر	حقوق جزا و جرم‌شناسی	هیات علمی دانشگاه	۳۰	ارشد	مدیریت انتظامی	هیات علمی دانشگاه

فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها و به صورت دستی در سه مرحله انجام شد. این سه مرحله مطابق روش کلاسیک شامل کدگذاری باز، انتخابی و نظری بود. یادداشت‌ها در تمامی مراحل نوشته شدند. یادداشت‌ها ایده‌های محقق در مورد مفاهیم، ویژگی‌ها و چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر هستند (Glaser، ۱۹۷۸: ۸۴). بعد از اشباع، مرتب‌سازی^۱ یادداشت‌های نظری انجام شد؛ این مرتب‌سازی یک طرح کلی نظری یا چارچوب مفهومی برای شکل‌بندی نظریه داده‌بنیاد عرضه می‌کند. هنگامی که یادداشت‌ها مرتب شدند بهترین کد نظری در نظر گرفته شد. مرتب کردن و کدگذاری نظری همزمان اتفاق می‌افتد. در روش نوحاسته، ادبیات حوزه بنیادی در زمان اجرای تحقیق بررسی نمی‌شود؛ زمانی که نظریه داده‌بنیاد در شرف اتمام است، هنگام مرتب‌سازی و نگارش نظریه^۲ می‌توان مرور ادبیات را انجام داد و به عنوان داده‌های بیشتر، مورد مقایسه قرار داد (Glaser، ۱۹۹۸: ۶۷). تصویر شماره ۱ فرایند نمونه‌گیری نظری و ظهور و پدیداری مقوله‌ها و مقایسه مداوم آن‌ها در این پژوهش را نشان می‌دهد.

یادداشت‌نگاری



تصویر ۱- فرایند نمونه‌گیری نظری و ظهور و پدیداری مقوله‌ها و مقایسه مداوم

1. sorting
2. writing up

جهت روایی و پایایی، Glaser (۱۹۹۸: ۱۸) چهار معیار برای ارزیابی نظریه داده‌بنیاد ارایه نموده‌است. معیار «تناسب»^۱ به این معنی است که مقوله‌ها باید از داده‌ها پدیدار شوند و از دیدگاه‌های نظری از قبل تعیین شده انتخاب نشوند. جهت تأمین این شاخص، مقوله‌ها صرفاً از داده‌های جمع‌آوری شده پدیدار گشت و پژوهشگر تلاش نمود تا رویکرد غیرارزیابانه‌ای^۲ را اتخاذ کند. همچنین توانان کدهای محوری و کد نظری برگرفته از صدای مشارکت‌کنندگان بود. «کارایی»^۳ به این موضوع اشاره دارد که آیا مفاهیم، مساله اصلی شرکت‌کنندگان را برآورده می‌کند، در این پژوهش، کد نظری به صورت مستقیم و غیرمستقیم توسط مشارکت‌کنندگان عنوان شد و همچنین یادداشت‌نگاری‌هایی که توسط پژوهشگران صورت گرفت کمک کرد تا تصمیماتی را که افراد یا کنشگران در این حوزه اتخاذ می‌کنند را تفسیر نماییم. «مرتبط بودن»^۴ زمانی حاصل می‌شود که نظریه برای کنشگران آن عرصه و همین‌طور مشارکت‌کنندگان در پژوهش مهم تلقی شود و برای آن‌ها منطقی و معنادار باشد. این معیار از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان و ارایه دیدگاه‌های شخصی به دست آمد. «اصلاح پذیری»^۵ نیز بیانگر آن است که نظریه می‌بایست از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد که با داده‌های جدید یا تغییر بستر، قابل تجدیدنظر باشد یعنی امکان اصلاح و تعدیل نظریه وجود داشته باشد (Lomborg, Kirkevold, ۲۰۰۳: ۱۹۹۱). از این رو، نظریه حاصل از فرایند داده‌بنیاد، هیچ‌گاه غلط یا درست نیست و یک فرایند مستمر است و تمام نظریه داده‌بنیاد این پتانسیل را دارند که در آینده توسعه یابد (Glaser, ۱۹۹۸: ۱۸). در این پژوهش با استفاده از مقایسه مداوم، درواقع نظریه دائماً در حال اصلاح است. همچنین زمینه مطالعه تحقیقات آینده ممکن است تغییر کند و داده‌های جدید عمق نظریه را گسترش دهد یا مورد بازنگری قرار دهد. لازم به توضیح است که محقق با صرف زمان کافی و نگارش یادداشت‌های نظری در طول پژوهش و بازبینی و بررسی فرایند تحلیل مقوله‌ها به کمک ۲ نفر از مشارکت‌کنندگان به عنوان ناظرین و اعمال نظرات ایشان در کدگذاری محوری میزان اعتباربخشی داده‌های پژوهش را ارتقا داده‌است. همچنین حصول اطمینان از گردآوری طیف وسیعی از نظرات در رشته‌های مختلف و مرتبط و داشتن تنوع در گروه‌های متخصص به منظور افزایش روایی فرایند مصاحبه مد نظر بوده‌است.

1. fit

2. non-evaluative

3. workability

4. relevance

5. modifiability

یافته‌های پژوهش

پس از اتمام اولین مصاحبه، فرایند کدگذاری باز آغاز شد. بر اساس تحلیل‌های انجام شده از مصاحبه‌ها، مجموع ۶۷۸ واقعه، ۱۱۹ مفهوم، ۴۵ مقوله فرعی و ۱۲ کد بنیادی به تربیت جنسی خانواده‌محور و ۴۲۶ واقعه، ۶۹ مفهوم، ۳۶ مقوله فرعی و ۱۱ کد بنیادی به تربیت جنسی مدرسه‌محور اختصاص یافت. به دلیل کثرت وقایع، مفاهیم و کدهای بنیادین نمونه‌ای از آن در جداول ۲ و ۳ ارائه شده‌است. همچنین نمودار شماره ۱ نیز بیانگر یافته‌های تربیت جنسی خانواده‌محور می‌باشد. به زعم مشارکت‌کنندگان در پژوهش، به طور کلی تربیت جنسی خانواده‌محور مجموعه‌ای از مداخلات والدین نسبت به فرزندان و محیط، آموزش و یادگیری مهارت‌های ویژه والدین و با اهداف مشخصی همچون تعالی انسانی، آینده جنسی مطلوب، سلامت جنسی مبتنی بر ویژگی‌هایی است که در ادامه به‌صورت تفصیلی توضیح داده شده‌است.

کدگذاری باز

الف) مداخلات والدین نسبت به فرزندان

مداخله آموزشی: تربیت جنسی خانواده‌محور شامل طیفی از آموزش‌ها می‌باشد که باید از سوی خانواده نسبت به فرزندان صورت بگیرد. این مداخله شامل آموزش پیشگیری از سوءاستفاده جنسی، آموزش سلامت جسمی و جنسی، آموزش هویت جنسی و جنسیتی، آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش دوستی‌های مثبت، آموزش مسایل بلوغ، شناخت آسیب‌های خودارضایی، آموزشی آسیب‌های رابطه جنسی خارج از ازدواج، آموزش پرهیزکاری و آموزش نظام ارزشی - هنجاری می‌باشد. ۷۹ معتقد بود که: "مهم‌ترین مهارتی که در آینده در زمان بلوغ بچه‌ها به دردشون می‌خوره، مهارت نه گفتن هست که این رو والدین باید یاد بدن. قدرت نه گفتن در برابر خواسته‌های غیرمعمول و غیرمنطقی رو داشته باشه که بتونه از خودش مراقبت کنه"

جدول ۲- فرایند کدگذاری باز در تربیت جنسی خانواده محور

کدهای باز			
واقعہ	مفهوم	مقوله های فرعی	کدهای بنیادی
آموزش اندام های خصوصی آموزش پوشش مناسب آموزش آداب حمام کردن آموزش دستشویی رفتن آموزش رفتارهای عمومی و خصوصی آموزش اجازه خواهی برای ورود به اتاق والدین یا دیگر بزرگسالان	درباره سازی حریص جنسی	آموزش پیشگیری از سوء استفاده	مداخله آموزشی

مداخله نظارتی- محافظتی: به زعم مشارکت کنندگان، تربیت جنسی خانواده محور شامل نظارت و حفاظت و اقدامات پیشگیرانه ای می باشد که باید از سوی خانواده نسبت به فرزندان صورت بگیرد. این مداخله شامل ۴ مقوله فرعی نظارت بر فرزندان و ارتباطات، نظارت بر فناوری اطلاعات و رسانه ها، نظارت بر بازی ها و مداخله پیشگیرانه از سوء استفاده می باشد. مشارکت کننده q ۱ بیان می کند که:

"در خانواده هم نظارت باید باشه. یعنی بچه من الان کجاست، در حال چه کاری است و چقدر کارش ریسک داره. مثلاً الان توی اردو، توی آزمایشگاه؟ چند نفرن؟ دو نفرن؟ ... برم بهشون سر بزنم نظارت یعنی همین"

مداخله مدیریتی: مشارکت کنندگان در پژوهش اذعان داشتند که تربیت جنسی خانواده محور شامل مدیریت رفتارهای خود و کودکان و محیط اطراف می باشد. این مداخله شامل ۳ مقوله فرعی کارآمدی و مدیریت جنسی، تنظیم الگوی خواب و ایجاد محیط سالم خانوادگی می باشد. q ۱۵ در خصوص سالم سازی محیط خانواده معتقد است که:

"والدین محیطی رو فراهم بکنن که مثلاً تلویزیون رو روی چه شبکه ای بیشتر میزارم یا ماهواره می خریم یا نمی خریم. محیط خونه رو طوری فراهم کنم تا تربیت خوبی اتفاق بی افته"

مداخله حمایتی: مشارکت کنندگان در پژوهش اذعان داشتند که تربیت جنسی خانواده محور شامل برقراری روابط محترمانه و صمیمانه میان والدین و فرزندان، نگرش مثبت نسبت به تربیت جنسی و فراهم کردن امکانات و تسهیلات می باشد. این مداخله شامل ۲ مقوله فرعی والدگری عاطفی و فراهم سازی بستر رشد و شکوفایی می باشد. q ۷ معتقد است:

"وظیفه خانواده ایجاد یک رابطه امن عاطفی هست اگر رابطه امن عاطفی باشه می‌شه آموزش هم داد. هر چقد رابطه امن عاطفی در خانواده حاکم باشه بچه سوالاش رو میاد از شما می‌پرسه نمیره دنبال اینترنت"

مداخله اجتماعی: تربیت جنسی خانواده‌محور شامل تقویت نقش‌ها و ویژگی‌های جنسیتی و همانندسازی با جنس خود و نگرش مثبت والدین و فرزندان نسبت به جنسیت خود می‌باشد و والدین دغدغه کنش اجتماعی را داشته باشند. این مداخله شامل ۲ مقوله فرعی جامعه‌پذیری جنسیتی و کنش اجتماعی است. در این باره q ۲۹ عنوان می‌کند:

"تربیت جنسی سالم یعنی اینکه مرد یا زن را طوری تربیت کنیم که در آینده بتواند نقش‌های جنسی و جنسیتی خود را درست انجام دهد"

مداخله اخلاقی - معنوی: به زعم مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تربیت جنسی خانواده‌محور شامل تقویت و پرورش فضایل اخلاقی و معنوی و رعایت آن از سوی والدین می‌باشد. این مداخله شامل ۱ مقوله فرعی اقدامات اخلاقی - معنوی است. به زعم q ۳۰...

"شروع تربیت جنسی با حیا است من مادر نباید بچه‌ام رو جلو همه باز کنم یا پوشکش رو تعویض کنم. حالت عادی نباید واسش بشه که بدنش رو همه می‌تونن ببینن"

q ۱۶ نیز درباره اهمیت ایجاد فضای معنویت در منزل بیان می‌دارد: "از نظر من بیش از مفاهیم تربیت جنسی، فضای معنوی ایجاد کردن هست"

ب) آموزش و یادگیری مهارت‌های ویژه والدین

کسب و ارتقاء دانش جنسی والدین: مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که بدون دانش جنسی والدین امکان تربیت جنسی خانواده‌محور بسیار کم‌رنگ می‌شود. پس از تحلیل مصاحبه‌ها، ۶ مقوله فرعی مفهوم شناسی، آسیب‌شناسی سوءاستفاده جنسی، دانش تشخیصی پیشگیرانه، دانش اجتماعی، حقوقی جنسی، دانش روانی - عاطفی جنسی و زیست‌شناسی جنسی به دست آمد. به زعم مشارکت‌کننده q ۲۵...

"والد باید بتونه نیاز آموزشی بچه شو درک بکنه و بر اساس آن جواب بده و کنش داشته باشه نیاز بچه‌های ما بر اساس سن هست"

ارتقا مهارت‌های ارتباطی والدین: مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که ارتقاء مهارت‌های ارتباطی والدین از مولفه‌های زیربنایی و کلیدی تربیت جنسی خانواده‌محور می‌باشد. پس از تحلیل مصاحبه‌ها، ۲ مقوله فرعی مهارت‌های ارتباطی و مهارت پاسخگویی به سوالات به دست آمد که در ذیل مقوله اصلی مهارت‌های ارتباطی جا داده شد. به زعم q ۲۰ ...

"کنشگران باید به سری مهارت‌ها داشته باشند. مثلاً این که بتواند در بچه احساس امنیت ایجاد بکند. بتواند بچه باهاش ارتباط بگیرد و سوالاتش رو بپرسد"

ارتقا مهارت‌های عاطفی - نگرشی والدین: به زعم مشارکت‌کنندگان ارتقاء مهارت‌های عاطفی - نگرشی والدین جزئی از تربیت جنسی خانواده‌محور است. مهارت تغییر نگرش مثبت نسبت به تربیت جنسی، مهارت تفکر و دغدغه‌مندی و مهرورزی از جمله این موارد می‌باشد. پس از تحلیل مصاحبه‌ها، ۲ مقوله فرعی نگرش مسئولانه و ایجاد امنیت عاطفی به دست آمد. ۲۵ q درباره ایجاد نگاه و رویکرد مثبت در والدین بیان می‌کند:

"ما نباید به نوجوانان به عنوان یک موجود جنسی خطرناک نگاه کنیم. همه فکر می‌کنند که به پسر ۱۳ ساله بیاد بگه به دختر ۱۳ ساله‌ای زیباست والدین وحشت می‌کنند... این فکر رو دور کنیم که نوجوانان مثل آتیش هستند هر جا برن به دلیل وجود نیاز جنسی اونجا رو به آتیش می‌کشن"

پ) ویژگی‌های تربیت جنسی خانواده‌محور

به زعم مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تربیت جنسی خانواده‌محور ویژگی‌هایی دارد که در ذیل دو کد بنیادی مبتنی بر تفاوت‌های فردی و شباهت‌های جمعی مفهوم‌سازی گردید.

مبتنی بر تفاوت‌های فردی: به زعم مشارکت‌کنندگان، تربیت جنسی خانواده‌محور مبتنی بر ویژگی‌هایی است مانند ویژگی‌های رشدی و تحولی و پیشینه فرد. پس از تحلیل مصاحبه‌ها، ۴ مقوله فرعی رشد‌مدار، فردمدار، تربیت‌مدار و زمینه‌محور به‌عنوان ویژگی‌های تربیت جنسی خانواده‌محور شناسایی شدند. برای مثال ۱۰ q در خصوص فردمداری بیان می‌کند:

"ما نمی‌تونیم نسخه واحدی رو برای همه تجویز کنیم بلکه از فرد به فرد و از بچه به بچه این چگونگی متفاوت هست"

۱۶ q نیز مرتبط با این بخش می‌گوید:

"بسته به این که چه موقعیتی هست و چه سنی هست و چه چیزی می‌داند، روابط خانوادگی چطوره، چه تجارب منحصر به فردی داره.."

مبتنی بر شباهت‌های جمعی: به زعم مشارکت‌کنندگان، تربیت جنسی خانواده‌محور ضمن اینکه مبتنی بر تفاوت‌های فردی است، متأثر از ویژگی‌های جمعی و مشترک نیز هست. به بیان بهتر تربیت جنسی خانواده‌محور تحت تأثیر مجموعه‌ای از اقدامات تعاملی مشترک و جمعی است. برای نمونه، تربیت جنسی خانواده‌محور امری مشارکتی و تعاملی میان والدین با یکدیگر و فرزندان و همچنین مبتنی بر عقلانیت و فهم مشترک والدین و فرزندان از تربیت جنسی می‌باشد پس از تحلیل مصاحبه‌ها، ۲

مقوله فرعی تعاملی بودن و مبتنی بر فرزندپروری عقلانی به دست آمد. q ۸ و q ۴ درباره مشارکتی بودن تربیت جنسی خانواده‌محور می‌گوید:

"به نظر من هر دو والد باید این نقش را مساوی بر عهده داشته باشند. نظر من این هست که اگر به تربیت جنسی قایل هستیم نباید تفکیک قایل باشیم. والدین در هر دو جنسیت چه دختر و چه پسر هر دو در تربیت جنسی نقش دارند و نباید تفاوتی قایل باشیم"

ت) منطق اجرا

به زعم مشارکت‌کنندگان، تربیت جنسی خانواده‌محور دارای رسالت و اهدافی است که با شناسایی آن‌ها، مسیر روشن‌تر خواهد شد. منطق اجرای تربیت جنسی خانواده‌محور کد بنیادی شناخته شد که در ذیل آن، آینده جنسی مطلوب، سلامت جنسی و تعالی انسانی قرار گرفت. در این خصوص q ۱۰ معتقد بود:

"چیزی که به تربیت جنسی خانواده‌محور جهت می‌دهد منطق اجرا است. اگر منطق نباشد همه اقدامات ناکارآمد خواهد بود"

q ۱ در خصوص هدف غایی تربیت جنسی معتقد است:

"وقتی از تربیت جنسی مبتنی بر رشد می‌گم منظور هم رشد شناختی و ذهنی است و هم رشد و تعالی است. غایت تربیت جنسی انسان شدن هست."

ج) کنش خویشاوندی

به زعم مشارکت‌کنندگان، تربیت جنسی خانواده‌محور مبتنی بر کنش چندگانه افراد مختلف در سطح خانواده است که برخی از افراد نقش کلیدی را بر عهده دارند و برخی نقش تکمیلی. دایره کنشگری خانواده از نزدیکترین افراد به کودکان مانند والدین تا دوستان و آشنایان صمیمی را در بر می‌گیرد. پس از تحلیل مصاحبه‌ها، کنشگری والدین، نقش آموزشی - تربیتی اعضا فامیل و نقش آموزشی همتایان به عنوان کد بنیادی کنشگری خویشاوندی در نظر گرفته شد. q ۱۹ و ۱۸ درباره کنشگری والدین می‌گوید:

"یه سری مسایل که نیاز به جزییات دارن روزوما باید پدر و مادر بگه. پدر و مادر می‌دونن که باید به مباحث اصلی و جزییات بپردازن"

q ۱۷ در خصوص نقش خواهر و برادر و همسالان بیان می‌کند:

"والدین نقش محوری در این موضوع دارن ولی بچه‌هایی که خواهر و برادر بزرگتر دارن، اون خواهر و برادر هم می‌تونه نقش مهمی داشته باشه. توی سنین نوجوانی دوستان و همسالان نقش پررنگی دارن، کمتر امکان داره با والدین صحبت کنن، به همین دلیل توی این دوره، نقش همسالان خیلی پررنگ‌تره"

نمودار شماره ۱ ادراک متخصصان نسبت به تربیت جنسی خانواده‌محور را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- یافته‌های بخش تربیت جنسی خانواده‌محور

به زعم مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تربیت جنسی مدرسه‌محور مجموعه‌ای از مداخلات نسبت به دانش‌آموزان و سازمان مدرسه را در بر می‌گیرد. مشخص شد که تربیت جنسی مدرسه‌محور بیانگر نقش اعضای مدرسه مانند مدیریت، معلم، مشاوره و دیگر کارکنان مدرسه می‌باشد و با رویکرد و شیوه اجرای مشخصی معرفی می‌شود که در ادامه به صورت تفصیلی توضیح داده شده است.

الف) مداخلات مدرسه نسبت به دانش‌آموزان

مداخله آموزشی: مشارکت‌کنندگان در پژوهش اذعان داشتند که تربیت جنسی مدرسه‌محور شامل طیفی از آموزش‌ها می‌باشد. این مداخله شامل آموزش خویشتن‌داری، آموزش خویشتن‌بانی، آموزش بلوغ، آموزش‌های دینی و اعتقادی، آموزش‌های اخلاقی- ارزشی، آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش تصمیم‌گیری در آینده و آموزش جامعه‌پذیری است. q ۲۷ می‌گوید:

"مثلا ما باید در مدرسه درباره خطراتی که روابط جنسی بر روی نوجوانان داره صحبت کنیم تا آگاه بشن. راهکارهایی داریم برای کنترل غریزه جنسی... به‌ویژه برای دوره نوجوانی باید گفته بشه"

مداخله نظارتی - محافظتی: تربیت جنسی مدرسه‌محور شامل مداخلاتی است که همراه با نظارت و مراقبت از دانش‌آموزان و رفتارهای آنان می‌باشد. این مداخله شامل نظارت بیرونی مدرسه بر رفتار دانش‌آموزان و پیشگیری کنشی مدرسه با نگاه سلبی و ایجابی است. q ۲۵ معتقد است:

"باید کنترل و نظارت دقیقی بر اعمال و رفتار دانش‌آموزان بشه و با افراد خاطی برخورد صحیح بشه و دانش‌آموزان منضبط هم تشویق بشن"

مداخله مشارکتی: کد مداخله مشارکتی دارای دو مقوله فرعی اعمال رهیافت همکارانه و استقرار و استمرار محیط حمایتی است که در برگیرنده بهره‌گیری از تشکلهای دانش‌آموزی، مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در مدرسه، ایجاد جو عاطفی مثبت و استفاده از طرح‌های تشویقی در مدرسه می‌باشد. q ۱۸ معتقد است:

"ایجاد شورای پیشگیری از رفتارهای پرخطر و تخلف و بزه جنسی از بین دانش‌آموزان، معلمان و اولیائشون هست و دانش‌آموزان مشارکت داده بشن. فعال کردن دانش‌آموزان در این زمینه، باعث مدیریت این قضیه توسط خود اونها میشه"

مداخله فرهنگی - هنری: کد بنیادی مداخله فرهنگی - هنری دارای دو مقوله فرعی غنی‌سازی اوقات فراغت و برقراری نشاط و پویایی در مدرسه است که به معنای بهره‌گیری از فوق برنامه‌ها، برگزاری و گسترش مسابقات هدفمند و برگزاری دوره‌های پرورشی و مهارتی است. q ۳۲ و ۳۰ بیان می‌کنند:

"برای اینکه مدارس در پرورش موفق باشند باید برنامه‌های متنوع، اردویی، ورزشی رو طراحی کنند و اجرا"

q ۲۴ معتقد است:

"مسابقات فرهنگی هنری و علمی با هدف جهت‌دهی به افکار نسل جوان با موضوع حجاب و عفاف اجرا بشه و از جوونا درباره طرح‌ها و برنامه‌های عفاف نظرسنجی بشه"

مداخله علمی: نقش علمی مدرسه از حیث استفاده از محتوای آموزشی یا برنامه‌درسی تلفیقی جهت گفتگو و صحبت درباره تربیت جنسی، است. این کد دارای دو مقوله فرعی تولید محتوای آموزشی و برنامه‌درسی تلفیقی است. q ۸ نیز درباره برنامه‌درسی تلفیقی و بهره‌مندی از دروس دیگر جهت تربیت جنسی معتقد است:

"مثل درس علوم، به وفور، از تولید مثل حیوانات تا آشنایی با دستگاه تولید مثل انسان. در مطالعات اجتماعی، دوستی‌ها و روابط سالم یا در درس ادبیات ارایه داستان. یک برنامه کلی باید باشه."

ب) کنشگران مدرسه

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، ادراک متخصصان حاکی از آن بود که تربیت جنسی مدرسه‌محور همراه با نقش اعضای مدرسه مانند مدیریت، معلم، مشاوره و دیگر کارکنان مدرسه می‌باشد که در ادامه به تفکیک ارایه شده‌است.

نقش مدیریت مدرسه: پس از تحلیل مصاحبه‌ها دو مقوله فرعی نقش ناظر حمایتی و نقش اجتماعی به مدیران مدارس اختصاص یافت. q ۴ درباره نقش تسهیل‌گرانه مدیریت بیان می‌کند:

"توی مدرسه مدیر خیلی می‌تونه تسهیل‌گر باشه پشت معلم باشه، به معلم اجازه بده، کنار معلم باشه ازش دفاع کنی اگر والدی اعتراض کرد از معلم حمایت کن"

نقش معلم: مشارکت‌کنندگان در پژوهش معتقد بودند که معلم نقش کلیدی در تربیت جنسی مدرسه‌محور بر عهده دارد. پس از تحلیل مصاحبه‌ها نقش تربیتی، نقش اجتماعی- روانی، نگرش مثبت معلم و نقش آموزشی برای معلم مشخص شود برای مثال q ۲ معتقد است:

"به طور کل معلمی که با بچه‌ها صمیمی باشه بچه‌ها بیشتر دوستش دارن، و اونو دوست خودشون می‌دونن و بهش اعتماد می‌کنند و بچه‌ها را به واسه سوالات قضاوت نمی‌کنه"

نقش مشاوره مدرسه: پس از تحلیل مصاحبه‌ها چهار مقوله فرعی به عنوان نقش‌های مشاوره در تربیت جنسی مدرسه‌محور شناسایی شد. این نقش‌ها شامل نقش آموزشی، نقش پاسخگویی، نقش مشاوره‌ای و نقش مداخله‌ای بودند. q ۱۵ معتقد است:

"مشاوران با توجه به نقش کلیدی که دارن، می‌تونن از طریق کارگاه‌هایی که برگزار می‌کنند به دانش‌آموزان درباره مسایل فضای مجازی و پیامدهای دوستی‌ها و چت‌های جنسی صحبت کنن اینکه چه آسیب‌هایی وجود دارد. ممکن هست در جمع دوستان اطلاعات غلطی بهش بدن که آسیب‌های جبران‌ناپذیری داره"

نقش کارکنان مدرسه: پس از تحلیل مصاحبه‌ها مشخص گردید که نقش تربیتی کارکنان مدرسه بسیار حائز اهمیت است. این نقش به واکنش مناسب تربیتی به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان و نقش الگویی کادر مدرسه است. برای مثال q ۱۴ و ۱۶ درباره نقش تربیتی کارکنان معتقد است:

"اگر دانش‌آموزی کار نادرستی کرد، بپذیریم که کار اشتباه بوده ولی دیگه بیش از حد جلو همه تحقیرش نکنیم، داغونش نکنیم. ریشه مشکل ببینیم چی بوده که این رفتار خاص توسط اون دانش‌آموز انجام شده"

پ) ارتباط خانواده- مدرسه

این کد نشانگر آن است که ایجاد و حفظ ارتباط خانواده و مدرسه بسیار حایز اهمیت است. این ارتباط از طریق تقویت روحیه و انگیزه ارتباط و سازوکار اجرایی همکاری خانواده- مدرسه حاصل خواهد شد برای نمونه q ۹ معتقد است:

"مشاوره خانواده- مدرسه به عنوان رابط بین خانواده و مدرسه می‌تونه باشه. این‌ها می‌تونن خدمات آموزشی، روانشناختی و اجتماعی مورد نیاز دانش‌آموز و خانواده‌شون رو برای پیشگیری از بزه جنسی یا مشکلات مرتبط موثر باشن"

ت) رویکرد اجرا: رویکرد تربیت جنسی مدرسه‌محور، موضع‌گیری اساسی مدرسه را نسبت به ابعاد نظری و عملی تربیت جنسی نشان می‌دهد و تلاش‌هایی که در سطح مدرسه جهت تربیت جنسی انجام می‌شود را همسو می‌کند. در ذیل این کد، فرهنگ‌مداری، امری تربیتی- پرورشی قرار گرفت. در واقع فرهنگ‌مدار بودن و تکیه داشتن تربیت جنسی مدرسه‌محور به مسایل تربیتی- پرورشی نشان‌دهنده جهت‌گیری مدرسه است که راهنمای عمل می‌شود. داشتن رویکرد فرهنگ‌مدار و تربیتی- پرورشی نسبت به تربیت جنسی مدرسه‌محور دیگر ابعاد و عناصر این بخش را تحت تاثیر قرار می‌دهد. q ۱۶ بیان می‌کند:

"رویکرد مشاوره‌ای در مقابل تدریس دارم... که مدارس اگر می‌خوان ورود کنن باید نگاه مشاوره‌ای داشته باشن نه اینکه ورود مستقیم داشته باشن... اگر ما در مدرسه تدریس کنیم یه دیالوگ و یه محور گفتگو بین بچه‌ها ایجاد میشه..."

ث) شیوه اجرا: یکی دیگر از کدهای بنیادی به دست آمده در تربیت جنسی مدرسه‌محور، شیوه و چگونگی اجرای تربیت جنسی مدرسه‌محور می‌باشد. با توجه به فرایند تحلیل مصاحبه‌ها، خاصیت و ویژگی‌هایی مانند جهت‌دهنده، مبتنی بر طرح و برنامه، رشد‌مدار، متناسب با تفاوت‌های فردی، مبتنی بر سوالات و کنجکاوی، پشتیبانی و حمایت خانواده‌ها، مشارکت میان خانواده و مدرسه، همکاری مدارس با یکدیگر، صراحت و سادگی، سهولت دسترسی و عام‌گرا بودن آن منجر به شکل‌گیری مقولات فرعی مدیریتی- سازماندهی، فردی، مشارکتی، سهولت اجرا و عمومی شد. q ۱۵ در خصوص آسانی اجرا و خاصیت مدیریتی- سازمان‌یافتگی تربیت جنسی مدرسه‌محور معتقد است:

"به نظر من مدرسه و تربیت جنسی که در اون اتفاق می‌افته استاندارد کار میکنه. مثلاً گفتیم این محتوا هست... میدونیم و خیالمون راحت هست که در مدرسه همون قالب اجرا میشه. در خانواده این طور نیست"

نمودار شماره ۲ ادراک متخصصان نسبت به تربیت جنسی مدرسه‌محور را نشان می‌دهد.



نمودار ۲- یافته‌های بخش تربیت جنسی مدرسه‌محور

کدگذاری انتخابی

گام دوم در راهبرد داده‌بنیاد ظهور یافته‌های شناسایی مقوله اصلی یا محوری است. چند معیار برای انتخاب یک مقوله به عنوان مقوله اصلی وجود دارد از جمله، مرکزی بودن، مرتبط بودن با سایر مقوله‌ها، اتفاق افتادن مکرر در داده‌ها و صرف زمان بیشتر برای اشیاع شدن (Glaser, ۱۹۷۸). محقق با استفاده از روش برگشت به عقب^۱ به تعبیر گلیسر، مرور مجدد داده‌ها و همفکری و مشورت با برخی از مشارکت‌کنندگان مقوله‌های اصلی را شناسایی نمود. نتایج حاصل از غور و دست‌ورزی با داده‌ها نشان داد که در تربیت جنسی خانواده‌محور، کد محوری منطق اجرای تربیت جنسی صحنه‌گردان کدگذاری باز تربیت جنسی خانواده‌محور است. در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ معتقد بود چیزی که به تربیت جنسی خانواده‌محور جهت می‌دهد منطق اجرا است. اگر منطق نباشد همه اقدامات ناکارآمد خواهد بود. همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۴ معتقد بود منطق تربیت جنسی مانند جهت‌یاب است که حیطه حرکت دیگر بخش‌ها و فعالیت‌ها را تنظیم می‌کند. به زعم مشارکت‌کنندگان تربیت جنسی خانواده‌محور با رسالت آینده جنسی مطلوب، سلامت جنسی و تعالی انسانی است که معنا می‌یابد و این معنا به دیگر آموزش‌ها نیز رنگ می‌دهد. منطق تربیت جنسی خانواده‌محور اشاره به این امر دارد که چرا و با چه هدفی، برای

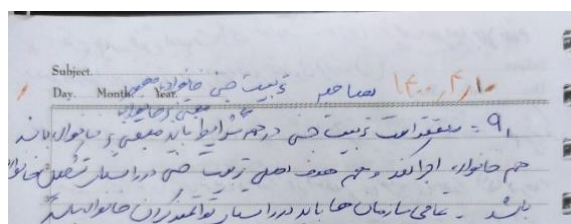
1. Backward strategy

چه چیزی؟ چرا این محتوا؟ چرا این آموزش‌ها؟ پاسخ به این سوالات منطق برنامه را تشکیل می‌دهد. این بحث در برگرفته این است که تربیت جنسی خانواده‌محور با هدف آینده جنسی مطلوب، سلامت جنسی و تعالی انسانی چرایی تصمیمات ما را کامل می‌کند. از این رو منطق تربیت جنسی خانواده‌محور، یک عنصر محوری است که سایر عناصر و مولفه‌ها از آن اثر می‌پذیرند. در بخش کدگذاری باز داده‌های تربیت جنسی مدرسه‌محور نیز رویکرد اجرای تربیت جنسی مدرسه‌محور به عنوان مقوله‌محوری انتخاب گردید. در واقع در این بخش مشخص می‌شد که اگر منطق اجرای تربیت جنسی خانواده‌محور، "آینده جنسی مطلوب، سلامت جنسی و تعالی انسانی" باشد و اگر رویکرد اجرای تربیت جنسی مدرسه‌محور، "فرهنگ‌مداری و تربیتی- پرورشی" باشد؛ مفهوم‌سازی برنامه درسی تربیت جنسی خانواده- مدرسه چگونه است. یافته‌های به دست آمده از فرایند اجرای کدگذاری انتخابی در جدول شماره ۴ آمده‌است.

جدول ۴- فرایند کدگذاری انتخابی

مقوله‌های فرعی	کدهای بنیادی	کدگذاری انتخابی
آینده جنسی مطلوب		
سلامت جنسی	منطق اجرا تربیت جنسی خانواده‌محور	
تعالی انسانی		کد محوری
فرهنگ مدار		
تربیتی- پرورشی	رویکرد اجرا تربیت جنسی مدرسه‌محور	

یادداشت‌ها در تمامی مراحل تحقیق موید ایده‌های کلیدی درباره مفاهیم و ارتباط آن‌ها و نظرات مشارکت‌کنندگان بود که همواره نوشته می‌شد. نمونه‌ای از یادداشت در تصویر شماره ۲ مشاهده می‌شود. در کنار کدگذاری نظری، مراجعه مداومی به یادداشت‌ها صورت می‌گرفت تا چارچوب مفهومی تهیه و ارتباط بین مقوله‌های اصلی و سایر مقوله‌ها، صورت بگیرد.



تصویر ۲- نمونه‌ای از یادداشت‌های نظری

کدگذاری نظری

گام نهایی راهبرد داده‌بنیاد نوحاسته کدگذاری نظری است. با مقایسه داده‌ها، تحلیل‌ها و یادداشت‌ها با کدهای پیشنهادی Glaser (2005، 1988، 1978) مشخص شد، خانواده کارکرد ساختاری، خانواده تعاملی و مقیاس‌ها با یافته‌های تحقیق تناسب بیشتری دارد؛ خانواده کارکرد ساختاری به ساختار سازمانی، گروه‌های مرجع و مجموع نقش‌ها اشاره دارد. این کد، تلاشی برای دریافتن و مشخص کردن گروه‌های مرجع و نقش‌های هر یک است که با روند پژوهش همخوانی دارد. خانواده کد نظری مقیاس‌ها نیز با معیار سیر تصادفی^۱ اشاره به حالتی دارد که تمام مقوله‌ها در صحنه‌اند، و تقریباً در بی‌نظمی و آشوب به سر می‌برند تا هنگامی که مقوله جدیدی وارد میدان و صحنه کدگذاری می‌شود و تمام مقوله‌ها را مرتب می‌کند، برای مثال یک سازمان دچار آشوب و بهم‌ریختگی است و یک رهبر مقتدر نظم را به آن باز می‌گرداند (Glaser، ۱۹۹۸: ۱۷۱). کد نظری حاصل شده "گفتمان فرهنگی تربیت جنسی" است که با سایر مقوله‌ها، حالت مرکز ثقل دارد.

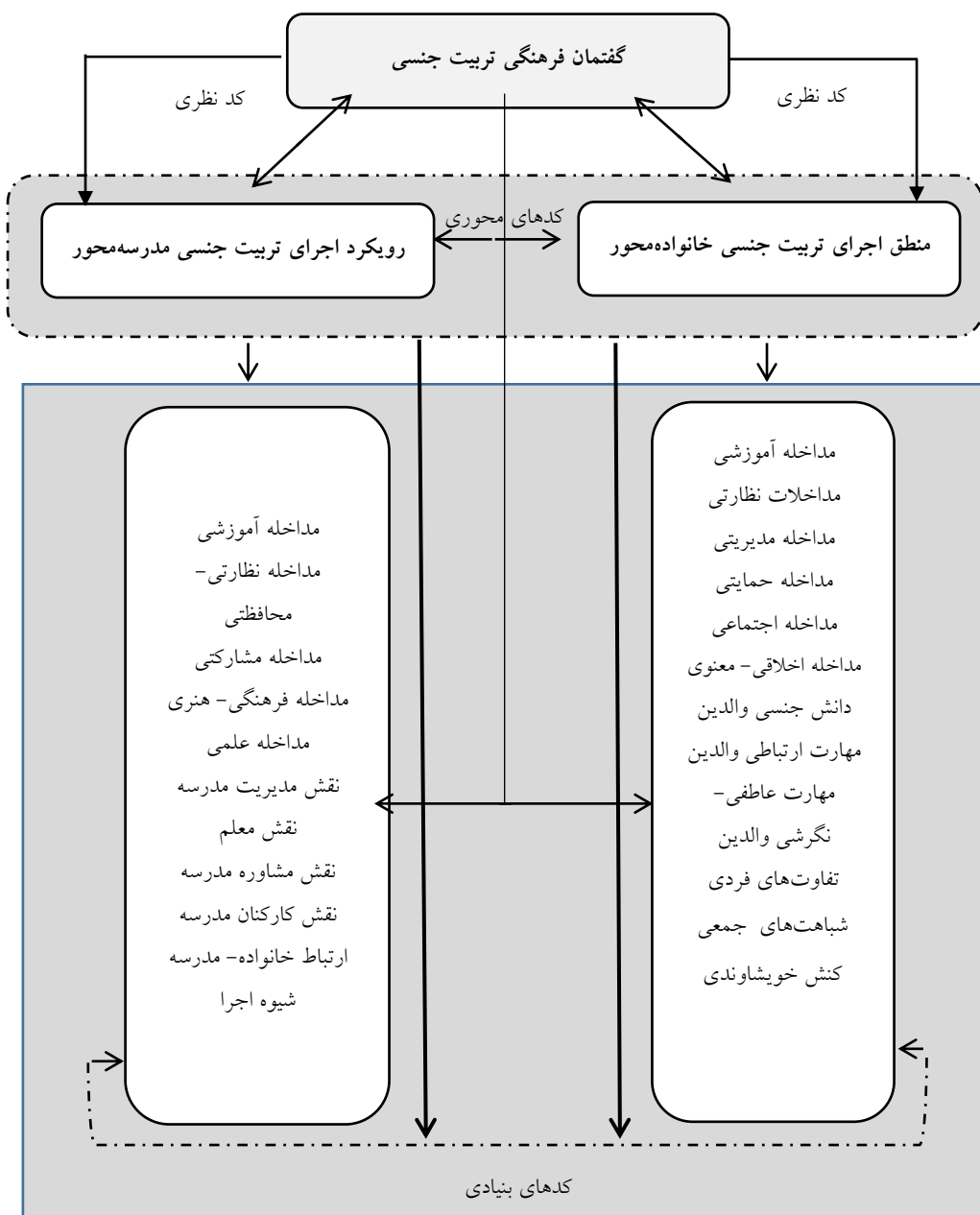
اجزا و مولفه‌های برنامه درسی تربیت جنسی خانواده- مدرسه با یکدیگر رابطه متقابل داشته و تأثیر متقابل بر یکدیگر می‌گذارند. در این تأثیر و تأثر رابطه تقدم و تاخر وجود ندارد و مولفه‌ها همانند اجزا بدن انسان بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند. هرچند که مولفه‌ها و مقوله‌های برنامه درسی تربیت جنسی خانواده- مدرسه در تعامل با یکدیگر هستند اما در بی‌نظمی و بی‌ثباتی به سر می‌برند مگر اینکه تغییری که حالت مرکز ثقل دارد وارد میدان شود. با اضافه شدن "گفتمان فرهنگی تربیت جنسی" کل فرایند ثبات و تعادل خود را به دست می‌آورد و تمامی تأثیر و تأثرات در پی حفظ و نگهداری این مرکز ثقل هستند.

مرکز ثقل^۲ در واقع اصطلاحی است که مرتبط با رشته‌های تخصصی سایر حوزه‌ها مانند فیزیک می‌باشد. به این معنا که برای نمونه هر هواپیمایی یک نقطه میانگینی دارد که تمامی نیروهای گرانش در آن نقطه بر هواپیما عمل می‌کنند و هواپیما در این نقطه نیروها را متعادل می‌کند که از نظر فنی تعادل طولی نامیده می‌شود؛ این نقطه مرکز ثقل نامیده می‌شود. در این پژوهش، مفهوم‌سازی برنامه‌درسی تربیت جنسی به تعادل گفتمان فرهنگی تربیت جنسی بستگی دارد. تمامی متغیرهای دیگر در صدد حفظ و نگهداری مرکز ثقل هستند و مرکز ثقل به سیستم نظم و تعادل می‌دهد. مرکز ثقل الزاماً به معنای مهم‌ترین جز نیست، همچنان که شاید گفته شود چشم و زبان در بدن انسان مهم‌تر از مرکز ثقل می‌باشد، اما چشم، گوش و دیگر اجزای بدن پیوسته در صددند تا مرکز ثقل در جایگاه مناسب خود قرار گیرد تا کل بدن

1. random walk

2. centre of gravity

ثبات داشته باشد و واژگون نگردد. به‌عنوان نمونه، اگر در تربیت جنسی، مدرسه، ضعیف عمل کند، باز هم خانواده مسیر و جریان خود را ادامه می‌دهند، اما با خارج کردن مفهوم گفتمان فرهنگی تربیت جنسی، کل ماهیت برنامه‌درسی تربیت جنسی خانواده-مدرسه، کارکرد خود را از دست می‌دهد. بر همین اساس، باید مهم‌ترین دغدغه تصمیم‌گیرندگان کلیدی در حوزه‌های کلان کشوری، حفظ و نگهداری مرکز ثقل باشد. تمامی برنامه‌ها و کنش‌گری‌ها باید در جهت حفظ مرکز ثقل تربیت جنسی خانواده-مدرسه یعنی گفتمان فرهنگی تربیت جنسی باشد. بر اساس داده‌های حاصل شده و فهم پژوهشگران از متن پدیده مطالعه شده، روابط مستتر در بین مقوله‌های موجود، در نمودار شماره ۳ ارائه شده‌است.



نمودار ۳- فرایند کدگذاری نظری

مرور ادبیات

دو قانون راهبرد داده‌بنیاد ظهوریابنده در خصوص مرور ادبیات شامل مرور نکردن ادبیات حوزه بنیادی در زمان انجام تحقیق و موکول کردن آن به زمان مرتب کردن و نگارش نظریه است (Glaser, ۱۹۹۸: ۶۷). بنابراین در این پژوهش نیز در نگارش نظریه نهایی، حوزه فرهنگ و مطالعات فرهنگی به کار گرفته شد. لازم به ذکر است که ادبیات موجود باید به‌عنوان مجموعه‌ای ایده تلقی شود و نه حقایق مطلق؛ پس این امکان وجود دارد که ادبیات موجود با نتایج شما همخوانی نداشته باشند. به‌عنوان نمونه، در ادبیات تربیت جنسی، گفتمان‌های مختلفی در جریان بوده‌است برخی با نگاه بهداشت عمومی، سعی در پیشگیری از بارداری‌های ناخواسته و انتقال بیماری‌های مقاربتی دارند (خطر حداقلی)^۱

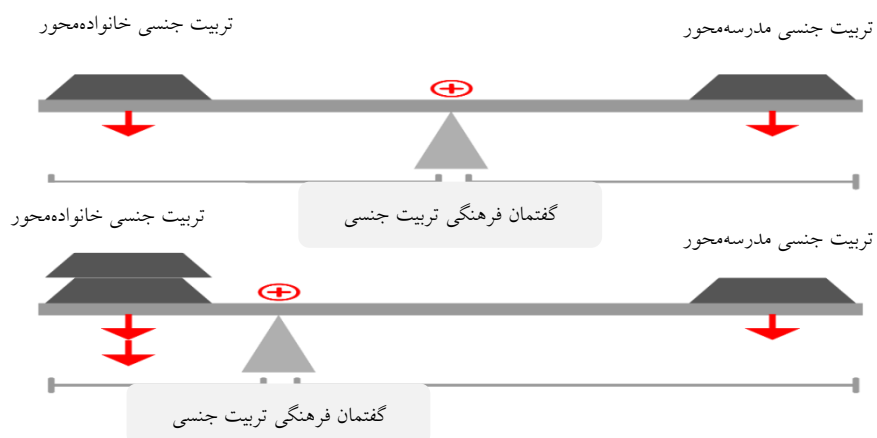
(Farrelly, O'Brien, Prain, ۲۰۰۷)؛ در حالی که داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که تربیت جنسی امری صرفاً بهداشتی- پزشکی نیست. همچنین برخی با رویکردی فردگرایانه، در صدد ایجاد زمینه کافی برای بروز فردیت و علایق شخصی می‌باشند و هر آنچه انتخاب شخص را محدود کند ضد تربیت مطلوب محسوب می‌شود (لیبرال) (Jones, ۲۰۰۷؛ ۲۰۰۹). اما گفتمان مذکور بی‌توجه به نگاه اجتماعی، جامعه را نادیده انگاشته‌است و مبتنی بر داده‌های واقعی بافتارمند نیست. با ظهور جنبش‌های انتقادی، گفتمان انتقادی در تربیت جنسی نیز در کشاکش ایجاد عدالت و برابری برای گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند همجنس‌گرایان داشت که به معنای کلان امر جنسی امری سیاسی تلقی می‌شد (Jones, ۲۰۱۱: ۱۵۲-۱۵۱). جهت‌گیری پست مدرن نیز با نگاهی ساختارشکنانه، سعی در رد تمامی پیش‌فرض‌های ضمنی و پنهان ناشی از فرهنگ بر تجربه‌های جنسی ممکن دارد (همان). در حالی که نتایج پژوهش حاکی از آن بود که تربیت جنسی به جد امری فرهنگی و اجتماعی است و مفاهیم ارایه شده در گفتمان‌های مذکور الگوهای درون داده‌ای پژوهش را به طور مناسبی تبیین نمی‌کردند (Glaser, ۱۹۹۸). مناظره درباره خوب بودن یا نبودن تربیت جنسی، یک نگاه هنجارمند و ارزشی است که کاملاً وابسته به فرهنگ است. علت اصلی آن تحولات ساختار جامعه معاصر به سوی فرهنگی شدن و غلبه یافتن فرهنگ یعنی نمادها، معانی و ارزش‌ها بر ابعاد مختلف زندگی از یک سو و از سوی دیگر تحول معرفت‌شناختی در شیوه‌های فهم و اندیشیدن که از تفکر تحصیلی و کمی به سوی تفکر تفسیری، کیفی تغییر یافته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد تا نقش خانواده- مدرسه در برنامه‌درسی تربیت جنسی با استفاده از راهبرد داده‌بنیاد ظهوریابنده یا کلاسیک مورد غور و بررسی قرار گیرد. در این راستا تحلیل یافته‌ها مبین آن بود که باید از سوی خانواده نسبت به فرزندان، آموزش‌هایی مرتبط با تربیت جنسی مد نظر قرار گیرد و البته در کنار مداخله آموزشی، مداخله نظارتی- محافظتی والدین به معنای نظارت، حفاظت و اقدامات پیشگیرانه تربیت جنسی نیز مطرح گردید. تربیت جنسی خانواده‌محور شامل مدیریت رفتارهای جنسی خود، کودکان و محیط اطراف می‌باشد که استلزام آن برقراری روابط محترمانه و صمیمانه میان والدین و فرزندان، نگرش مثبت نسبت به تربیت جنسی و فراهم کردن امکانات و تسهیلات مناسب از سوی والدین برای فرزندان است. از آن‌جا که تربیت جنسی امری وابسته به فرهنگ و اخلاق می‌باشد تقویت و پرورش فضایل اخلاقی و معنوی و رعایت آن از سوی والدین، به عنوان مداخله اخلاقی مورد توجه قرار گرفت. گونه دیگری از یافته‌ها شامل آموزش و یادگیری مهارت‌های ویژه والدین است؛ شامل کسب و ارتقاء دانش جنسی، ارتقاء مهارت‌های اجتماعی و ارتقاء مهارت‌های عاطفی- نگرشی. تجهیز والدین به دانش کافی و علمی، ارتقاء مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ایشان و مهارت تغییر نگرش مثبت نسبت به تربیت جنسی، مهارت تفکر و دغدغه‌مندی و مهرورزی مواردی است که والدین باید شایستگی لازم را کسب کنند. دسته دیگری از یافته‌ها، ویژگی‌های تربیت جنسی خانواده‌محور است؛ تربیت جنسی که در خانواده حادث می‌شود امری رشدی، تحولی، بافکارمند و از فرزند به فرزند متفاوت؛ و امری مشارکتی و تعاملی میان والدین با یکدیگر و فرزندان و همچنین مبتنی بر عقلانیت و فهم مشترک والدین و فرزندان از تربیت جنسی است.

تحلیل یافته‌ها در بخش مدرسه‌محور مبین مجموعه‌ای از مداخلات نسبت به دانش‌آموزان و سازمان مدرسه بود. مشخص شد که تربیت جنسی مدرسه‌محور بیانگر نقش اعضای مدرسه مانند مدیریت، معلم، مشاوره و دیگر کارکنان مدرسه و با رویکرد و شیوه اجرای مشخصی است. با این تعبیر که مدرسه ضمن داشتن نقش آموزشی، همواره بر دانش‌آموزان و رفتارهای آنان نظارت و مراقبت داشته باشند و محیط حمایتی و مشارکتی را در سطح مدرسه ایجاد نمایند و بر غنی‌سازی اوقات فراغت و برقراری نشاط و پویایی تأکید کند. ایجاد و حفظ ارتباط خانواده و مدرسه از طریق تقویت روحیه و انگیزه ارتباط و سازوکار اجرایی همکاری خانواده- مدرسه نیز بسیار مورد توجه مشارکت‌کنندگان در پژوهش قرار گرفت. با تفکر و تأمل در کدهای باز دو کد منطق اجرا تربیت جنسی خانواده‌محور و رویکرد اجرای

تربیت جنسی مدرسه‌محور به عنوان کدهای محوری، و گفتمان فرهنگی تربیت جنسی، مرکز ثقل یا کد نظری نهایی تشخیص داده شد. تصویر شماره ۳ آنچه توضیح داده شد را بهتر نشان می‌دهد.



تصویر ۳- رابطه کدهای محوری و کد نظری

به این معنا که مفهوم‌سازی برنامه‌درسی تربیت جنسی به تعادل گفتمان فرهنگی تربیت جنسی بستگی دارد. با خارج کردن مفهوم گفتمان فرهنگی تربیت جنسی، کل ماهیت برنامه‌درسی تربیت جنسی خانواده-مدرسه، کارکرد خود را از دست می‌دهد زیرا در حال حاضر شرایط و بستر اجتماعی لازم برای غلبه گفتمان فرهنگی تربیت جنسی بر دیگر گفتمان‌ها فراهم است اما هنوز این گفتمان، گفتمان غالب در سیاست‌گذاری، گفتمان عمومی و دانشگاهی ایران نیست. تربیت جنسی به جد امری فرهنگی و اجتماعی است و نقش خانواده-مدرسه در تربیت جنسی نیز کاملاً متأثر از این امر است. ضمن آن که نتایج پژوهش نشان داد که نقش خانواده و مدرسه صرفاً در آموزش خلاصه نمی‌شود. بنابراین، با نقش هسته‌ای که گفتمان فرهنگی تربیت جنسی دارد باید مهم‌ترین دغدغه تصمیم‌گیرندگان کلیدی در حوزه‌های کلان کشوری، حفظ و نگهداری مرکز ثقل باشد. تمامی برنامه‌ها و کنش‌گری‌ها باید در جهت حفظ مرکز ثقل تربیت جنسی خانواده-مدرسه یعنی گفتمان فرهنگی تربیت جنسی باشد.

منابع

- Breckenridge, J & Jones, D (2009). Theoretical Sampling in Grounded Theory Research Grounded Theory. Review Issue, 2(8).
- Department for Education and Employment (DfEE) (2000). Sex and Relationship Education Guidance. London: HMSO.
- Farmahini Farahani M; Soltani F; Jangali M, Komroodi Nj And Mahmoudi Ah (2020). Sexual Education, The Common Task Of Family And School". Arch Pharma Pract, 11(1):126-35.
- Farrelly, C; O'Brien, M & Prain, V (2007). The discourses of sexuality in curriculum documents on sexuality education: an Australian case study, Sex Education: Sexuality, Society and Learning, 7:1, 63-80.
- Glaser BG. (2005). The grounded theory perspective III: Theoretical coding. Mill Valley: Sociology Press.
- Glaser, B. (1967). The constant comparative method of qualitative analysis. Social Problems, 12(4): 436-445.
- Glaser, B. (1978). Theoretical sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory, Sociology Press. Mill Valley, CA.
- Glaser, B. (1998). Doing grounded theory: Issues and discussions, Sociology Press. Mill Valley, CA.
- Jones, T (2009). Framing the framework: Discourses in Australia's national values education policy. Educational Research for Policy and Practice, 8(1): 35–57.
- Jones, T(2011). A Sexuality Education Discourses Framework: Conservative, Liberal, Critical, and Postmodern', American Journal of Sexuality Education, 6(2): 133- 175.
- Jones, T (2007). Framing the framework. In Education research: Who needs it?, Edited by: Brown, R., Finger, G. and Rushton, C. 47–70. Teneriffe: Post Pressed.
- Kakavoulis, A(2019). Family and sex education: survey of parental attitudes. Sex Education, 1(2): 163–74.
- Leung, H., Shek T. L, Edvina Leung, and Y. W. Shek(2019). Development of Contextually-relevant Sexuality Education: Lessons from a Comprehensive Review of Adolescent Sexuality Education Across Cultures, Int J Environ Res Public Health. 16(4): 621.
- Lomborg, K; Kirkevold, M (2003). Truth and validity in grounded theory a reconsidered realist interpretation of the criteria: fit, work, relevance and modifiability. Nurs Philos, 4(3):189-200.
- OPM. (2016). Perusopetuksen laatukriteerit [Quality criteria for basic education]. Ministry of Education Publications 2010:6. Helsinki, Finland: Yliopistopaino.
- Pound P, Langford R, Campbell R.(2016). What do young people think about their school-based sex and relationship education? A qualitative synthesis of young people's views and experiences. BMJ Open.
- Raouf Malayeri M, Beheshti S, Eskandari H, Abbaspour A. (2018) The Role of Family and School on the Formation of Gender Identity of Girls: A Qualitative Study . Iran J Health Educ Health Promot. 6 (3):302-31. [Persian]
- Saedy Rezvani, M., Gholami, F., Bagheri, H.(2020) Keycompetencies Sexual Education Coach. Journal of Curriculum Research, 9(2):163-199. [Persian]
- Sormunen, M (2012). Toward a Home-School Health Partnership, University of Eastern Finland Dissertations in Health Sciences.

- Torbati, S., Tajik Esmaeili, S., Khosravi, N. (2020). A Qualitative Study of Adolescent Sexual Education and its Contextual Factors with Emphasis on Interpersonal Relations with Case study: High school adolescent girls and boys residing in Tehran. *Sociological studies*, 12(45): 77-104. [Persian]
- Windiastruti, E ;Syamsudin, A (2019). Cooperation between Parents and School on Sex Education to Prevent Sexual Abuse in Early Childhood Case Study: Sex Education Implementation in Budi Mulia Dua Sedayu Kindergarten. *International Conference on Early Childhood Education and Parenting*.

Extended Abstract

Conceptualization of Sex Education Curriculum with an Emphasis on the Roles of Family and School

Zahra Hejazi¹, Mostafa Ghaderi², Alireza Sadeghi³
Parvin Samadi⁴, and Zahra Niknam⁵

The purpose of this study was to conceptualize the sex education curriculum with an emphasis on the role of family and school. This research adopted a qualitative approach to develop a grounded theory emerging from the data. A semi-structured interview was used to collect data. The study population consisted of all experts and social and cultural activists, including psychologists, sexual behaviorists, counselors, midwives, educational sciences, law enforcement, sociologists, lawyers, and policymakers, who were active in the areas related to the research topic. Theoretical sampling was used to select the participants, and 32 experts were interviewed. In the first phase of theoretical sampling, 10 experts were interviewed. Then, the initial codes, concepts, and categories, known as *substantive codes*, were extracted, and open coding continued until the core category, which was the central category accounting for most of the variation in the pattern of behavior, appeared. Afterward, the second phase of sampling was conducted based on the core category. Once the main category was found, selective coding began. During this coding phase, only the concepts related to the main category were coded, and the coding continued until theoretical saturation was reached. Four criteria of fit, work, relevance, and modifiability were used to determine the validity and reliability of findings. Regarding the fit criterion, only the categories emerging from the data were collected, and the researchers intended to take a non-evaluative approach. Core and theoretical codes were also extracted from the participants' speeches during the interview. Workability means that the categories and the way in which they are related to hypotheses explain the behavior that is occurring in an area of study; that is, workability explains how participants' main concerns are being continually resolved. In this study, the theoretical codes were derived directly and indirectly from the participants' quotes. Memos helped to interpret the decisions of individuals or actors in the field. Relevance was achieved when the extracted categories fitted the main concerns of the participants and the developed theory dealt with

-
1. PhD Student in Curriculum Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (hejazi.um.curriculum@gmail.com)
 2. Associate Professor, Department of Curriculum Studies, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (corresponding author) (m.ghaderi@atu.ac.ir)
 3. Associate Professor, Department of Curriculum Studies, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (sedeghi@atu.ac.ir)
 4. Associate Professor, Alzahra University, Tehran, Iran (p.samadi@alzahra.ac.ir)
 5. Assistant Professor, Department of Curriculum Planning, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran (niknam@khu.ac.ir)

those main concerns. Modifiability is demonstrated when concepts, their properties, and the substantive theory readily accommodate new data. In the present study, modifiability was achieved by constantly comparing the emerging theory with the data. In fact, the theory was constantly being modified.

Findings indicated that, in general, family-based sex education entailed a set of parental interventions related to children, the environment, and teaching and learning special parental skills and goals, such as human excellence, desirable sexual future, and sexual health. These interventions included educational, supervisory-protective, managerial, supportive, social, and moral-spiritual interventions. Parents' special skills included the acquisition and promotion of sexual knowledge, communication skills, and emotional-attitudinal skills. The two substantive codes of individual differences and interpersonal similarities were the characteristics of family-centered sex education. Parental activism and the educational role of family members and peers were considered kindred activism (substantive code). Furthermore, school-based interventions included educational, supervisory-protective, participatory, cultural-artistic, and scientific interventions. The roles of school staff, including the principals, teachers, counselors, etc., were considered separately. The implementation of school-based sex education was associated with the categories of management-organization, individual factors, participatory factors, ease of implementation, and general action

Open codes were further examined and family-based sex education rationale and school-based sex education approaches were identified as the core variables. In addition, sex education cultural discourse was identified as the final theoretical code. In other words, it can be stated that the conceptualization of a sex education curriculum depends on the balance between different cultural discourses. By ignoring the concept of sex education cultural discourse, the whole nature of the family-school sex education curriculum loses its function because presently the social context provided for the cultural discourse of sex education dominates all other discourses. However, this discourse is not the dominant discourse in policy-making, the public sphere, and academic contexts in Iran. Sex education is a cultural and social issue, and the roles of family and school in sex education are affected by cultural and social factors. At the same time, the results showed that the roles of family and school were not limited to education. Therefore, decision- and policy-makers at the macro-national level are recommended to pay utmost attention to the cultural discourse of sex education as the most important factor in family and school sex education. To achieve this, all related programs and activities have to be developed in line with maintaining the centrality of family-school sex education.

Keywords: family-school sex education, curriculum, policy-making, cultural discourse